

بررسی جغرافیانگاری ابن خردادبه به لحاظ منابع

محمدجعفر اشکواری^۱

سیدمصطفی حسینی^۲

سمانه خلیلی فر^۳

چکیده: آثار جغرافیایی به جهت دارا بودن اطلاعات فرهنگی و تمدنی و به دور بودن از اغراض سیاسی از اهمیت خاصی برخوردارند. سنجش پایایی و روایی لازمه استفاده از منابع تاریخی است، اینکه منبع اطلاعات خود را از چه طریقی جمع آوری کرده است تا عیار اعتبار آن عیان شود. *المسالك و الممالک* ابن خردادبه (وفات ۳۰۰ ق.) از اولین آثار مکتوب جغرافیایی به شمار می رود که به نوعی میراث دار سنت ایرانی نیز هست. مسئله اصلی پژوهش این است که *المسالك و الممالک* ابن خردادبه از چه منابعی بهره برده و تا چه اندازه معتبر است؟ با بررسی محتوایی کتاب و ریشه یابی داده های آن مشخص شد که ابن خردادبه از منابع مکتوب و منابع شفاهی هم عصر خود به ویژه از اسناد و مدارک دولتی استفاده کرده است. یافته های پژوهش نشان می دهد ابن خردادبه ضمن استفاده از منابع مکتوب اعم از قرآن و کتاب بطلمیوس، آثار مسلم بن ابی مسلم جرمی، آثار لغت شناسان و مکتوبات شعری، به اسناد و گزارش های دیوان برید و خراج نیز دسترسی داشته و این موضوع، سفر نکردن به مناطق مختلف جهان اسلام وی را پوشش داده است. ضمن اینکه از طریق منابع شفاهی (شنیده ها و مشاهدات) بر اطلاعات جغرافیایی کتاب افزوده است.

واژه های کلیدی: جغرافیانگاری اسلامی، ابن خردادبه، منابع مکتوب، منابع شفاهی

-
- ۱ استادیار تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه زنجان (نویسنده مسئول) ashkevari@znu.ac.ir
۲ دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران m.huseini@ut.ac.ir
۳ دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران Samane.khalilifar@ut.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۲۸ تاریخ تأیید: ۹۷/۰۸/۰۳

The Study of Ibn Khordadbeh's Geography with Respect to References

Muhammad Jafar Ashkevari¹

Seyyed Mostafa Hosseini²

Samaneh Khalilifar³

Abstract: Geographic works are important for having cultural and civilization information and being away from political considerations. Reliability and validity testing is necessary to use historical references, i.e. the way in which a reference has collected its data can be used to determine its degree of credibility. *Al-Masālik w'al-Mamālik* by Ibn Khordadbeh is among the earliest geographical works that is somehow derived from Iranian tradition. The main issue of the research is that which references *al-Masālik w'al-Mamālik* of Ibn Khordadbeh is benefiting from and to what extent they are credible? By reviewing the content of the book and finding its roots, it was revealed that Ibn Khordadbeh has used written sources and oral sources of his age, especially government documents to compose his work. The findings of this research show that Ibn Khordadbeh, while using written sources including the Qur'an and Ptolemy's book, Moslem bin Abi Moslem Jeremi's works, the works of terminologists and poetry writers, had access to the documents and intelligence and tax reports. These has compensated for not travelling to the various parts of the Islamic world. He has also added geographic information through oral sources (hearings and observations) to his book.

Keywords: Islamic geography, Ibn Khordadbeh, oral resources, written resources

-
- 1 Assistant Professor of History and civilization of the Islamic Nations, University of Zanjan (corresponding author) ashkevari@znu.ac.ir
 - 2 PhD Candidate of History and civilization of the Islamic Nations, University of Tehran m.huseini@ut.ac.ir
 - 3 PhD Candidate of History and civilization of the Islamic Nations, University of Tehran Samane.khalilifar@ut.ac.ir

مقدمه

دانش جغرافیا، تاریخی به قدمت بشر دارد و نمی‌توان جامعه‌ای را یافت که از آگاهی‌های جغرافیایی بی‌نصیب باشد. دستاوردهای تمدن اسلامی نیز در زمینه دانش جغرافیا چشمگیر است. با وسعت یافتن قلمروی جغرافیایی تمدن اسلامی طی قرن‌های دوم و سوم هجری، اطلاعات مسلمانان از سرزمین‌های مختلف افزایش یافت و به دنبال آن بر دانش جغرافیایی مسلمانان نیز افزوده شد. جغرافیای وصفی از دستاوردهای مهم این مرحله به شمار می‌رود و همزمان نگارش آثار با عنوان *المسالك و الممالک* در جغرافیای توصیفی آغاز می‌شود. از بین نخستین آثار جغرافیانگاران مسلمان در این زمینه، *المسالك و الممالک* نوشته ابن خردادبه را در دست داریم، اگرچه ابن ندیم، ادیب ابوعباس جعفر بن احمد مروزی (وفات ۲۷۴ ق.) را نخستین فردی می‌داند که کتابی در این زمینه نوشته است. اما اطلاعاتی از آثار پیشینیان در مسالک و ممالک مانند کتاب احمد بن محمد بن طیب سرخسی (وفات ۲۸۶ ق.) در دسترس نیست. از این رو باید کتاب ابن خردادبه را به‌عنوان نماینده آثار این دوره از جغرافیانگاری مسلمانان در این زمینه دانست.

همچنین تأثیر ابن خردادبه بر جغرافیانگاران و مورخان پس از خود نیز بر اهمیت کتاب افزوده است. به‌عنوان نمونه ابن فقیه، مستوفی، رازی، قزوینی، قلقشندی و گردیزی از مطالب ابن خردادبه استفاده کرده‌اند.^۱ نیز مطالب *قدامه در الخراج و صناعة الکتاب* غالباً کتاب ابن خردادبه را به یاد می‌آورد، زیرا بیشتر از همه به وصف راه‌های پستی (برید) و ولایات توجه دارد و اطلاعات مهمی از تقسیمات زمین و خراج می‌دهد. کثرت اقتباس *قدامه* بن جعفر از مطالب کتاب ابن خردادبه به حدی است که در بیشتر صفحات مربوط به وصف راه‌ها مصحح صراحتاً افتادگی‌های متن اصلی را با اطلاعات کتاب ابن خردادبه ترمیم کرده است.^۲ همچنین ابن خردادبه درباره مناطق بیرون از قلمرو اسلام منبع *اساسی حدود العالم من المغرب الی المشرق* بوده است.^۳ گزارش‌های ابن خردادبه در *آکام المرجان* نوشته اسحاق بن حسین نیز

۱ ایگناتی یولیوویچ کراچکوفسکی (۱۳۷۹)، *تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، صص ۱۲۸، ۲۰۸، ۳۱۲، ۳۲۹؛ نفیس احمد (۱۳۷۴)، *خدمات مسلمانان به جغرافیا*، ترجمه حسن لاهوتی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، صص ۵۶، ۶۳.

۲ *قدامه* بن جعفر (۱۹۸۱)، *الخراج و صناعة الکتاب*، تصحیح محمدحسین زبیدی، بغداد: دارالرشیدللنشر، صص ۷۷-۱۲۹.

۳ کراچکوفسکی، همان، ص ۱۸۰؛ نفیس احمد، همان، ص ۴۱.

وجود دارد.^۱ بنابراین از طریق بررسی المسالک و الممالک از نظر منابع که موضوع این پژوهش است می‌توان به سرچشمه‌ها و منابع اولیه اطلاعات جغرافیایی مسلمانان در جغرافیانگاری به‌ویژه جغرافیانگاری وصفی دست یافت.

پژوهش حاضر که از نوع پژوهش‌های تاریخی است، به روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی-تحلیلی سامان یافته است. این پژوهش سعی دارد منابع ابن‌خرداذبه در نگارش المسالک و الممالک را شناسایی و سپس دسته‌بندی نماید تا از این طریق منابع ناشناخته ابن‌خرداذبه تا سر حد امکان بر اساس پاره‌ای شواهد و قراین مشخص شوند. در پیشینه پژوهش ضروری است به این نکته اشاره شود که تاکنون به دلیل اهمیت ابن‌خرداذبه در جغرافیانگاری اسلامی پژوهشگرانی مانند کراچکوفسکی، رضا و قرچانلو^۲ در آثار خود به شرح حال، آثار، شیوه جغرافیانگاری و نقش ابن‌خرداذبه در بین جغرافیانگاران به‌ویژه مکتب عراقی پرداخته‌اند، اما مقاله حاضر با رویکردی متفاوت تلاش دارد منابع اطلاعاتی جغرافیانگاری وصفی در مرحله پیدایش را مشخص نماید.

شرح حال مؤلف

ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله بن خرداذبه در خانواده‌ای ایرانی به دنیا آمد. تاریخ ولادت او به‌درستی معلوم نیست.^۳ نام پدرش را احمد آورده‌اند.^۴ جدش خرداذبه زرتشتی‌مذهب بود که به دست برمکیان - احتمالاً یحیی بن خالد - به دین اسلام گروید. پدرش عبدالله در اوایل قرن سوم از جانب خلیفه عباسی والی طبرستان بود که با فتح بخشی از دیلم و جبال طبرستان شهرت بسیار یافت.^۵ ابن‌خرداذبه در این دوره به سبب جایگاه پدر نزد استادان صاحب‌نامی پرورش یافت. چنانکه موسیقی را نزد ابواسحاق موصلی، موسیقی‌دان شهیر فراگرفت. بنابراین بی‌دلیل نیست بعدها در بغداد به مجالس علمی و ادبی عصر راه یافت. چنانکه در موضوعات تاریخ، نسب‌شناسی، جغرافیا، شراب و آشپزی صاحب اثر است. در بغداد، ابن‌خرداذبه به سبب

۱. إسحاق بن حسین منجم (۱۴۰۸)، *آکام المرحان*، مصحح سعد فهمی، بیروت: عالم الکتب، مقدمه مصحح، ص ۷.

۲. مشخصات در منابع همین مقاله آمده است.

۳. سال ولادت وی را بین ۲۰۰ تا ۲۰۵ ق گفته‌اند (منجی بوسنینه (۱۴۲۵)، *موسوعة اعلام العلماء و الادیاء العرب و المسلمین*، ج ۸، بیروت: دار الجبیل، ص ۶۸۷. البته مسعودی سسال در گذشت وی را ۲۷۲ هجری آورده است (ابوالحسن‌علی بن حسین مسعودی [بی‌تا]، *التنبیه و الاشراف*، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره: دار الصاوی، ص ۶۶)

۴. محمد بن إسحاق بن ندیم (۱۳۶۶)، *الفهرست*، تحقیق رضا تجدد، تهران: امیرکبیر، ص ۲۴۵.

۵. همان، ص ۱۶۵؛ کراچکوفسکی، همان، ص ۱۲۰.

موقعیت خانوادگی و آگاهی‌های ادبی و هنری جزء مقربان و ندیمان خلیفه معتمد عباسی (حکومت ۲۵۶-۲۷۹ ق.) درآمد.^۱ سرانجام به ریاست کل برید ایالت جبال منصوب شد. بنابراین او با دستیابی به آرشیو گزارش‌های دولتی به اطلاعات رسمی بسیاری از مناطق قلمرو جهان اسلام دست یافت.^۲

درباره سال درگذشت ابن خردادبه (۲۷۲ ق. یا ۳۰۰ ق.) اختلاف است.^۳ آثار وی عبارت‌اند از: *المسالك و الممالك، اللهو و الملاهی، الطیخ، کتاب الشراب، آداب السماع، جمهرة انساب الفرس و النوافل، کتاب الانواء، کتاب الندماء و الجساء، کتاب الکبیر فی التاریخ*^۴ و *کتاب اخبار*.^۵ از بین آثارش دو کتاب *المسالك و الممالك* و *کتاب الانواء* در زمینه جغرافیا نوشته شده و نشان‌دهنده آگاهی‌های جغرافیایی ابن خردادبه است.

المسالك و الممالك: اولین گام در جغرافیانگاری وصفی

قرن سوم هجری در جغرافیانگاری مسلمانان دوران نوآوری بود. در این دوره جغرافیای توصیفی به دنبال جغرافیانگاری ریاضی شکل گرفت و در آن به توصیف سرزمین‌ها، شهرها، آثار و ابنیه، ساکنان و همچنین اطلاعات اقتصادی از مناطق مختلف در زمینه‌های جزیه و خراج و مالیات غیره توجه شد. آثار جغرافیای توصیفی را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد: کتاب‌های انواء، فضایل و عجایب، کتاب‌های مسالک و ممالک و البلدان‌ها، نوشته‌های توپوگرافی، آثار جغرافیای اقلیمی، سفرنامه‌ها (خشکی و دریایی). از بین موارد گفته‌شده، ابن خردادبه را به حق باید سرآمد جغرافیانگاری توصیفی در شاخه «مسالک و ممالک» دانست.^۶ البته باید توجه داشت که اقبال با ابن خردادبه همراه بود؛ زیرا به گفته ابن ندیم،

۱ ابوالحسن‌علی بن حسین مسعودی (۱۴۰۹)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق اسعد داغر، ج ۴، قم: دار الهمزة، صص ۱۳۱-۱۳۶.

۲ ابن ندیم، همان، ص ۱۶۵؛ شمس‌الدین محمد بن احمد مقدسی (۱۹۰۶)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، بیروت: دار صادر، ص ۳۶۲؛ کراچکوفسکی، همان، ص ۱۲۱؛ نصرالله صالحی (۱۳۷۸)، «ابن خردادبه و دل ایرانشهر نظری به ابن خردادبه و المسالک و الممالک او»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ص ۳۳.

۳ بوسنینه، همان، ج ۸، ص ۲۸۷.

۴ ابن ندیم، همان، ص ۲۱۳.

۵ مسعودی، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ج ۱، ص ۲۲.

۶ گردیزی، همان، ص ۵۴۵. «آنچه محتمل به نظر می‌رسد این است که منظور کتاب اخبار همان کتاب *الکبیر فی التاریخ* باشد» (رضا، همان، ج ۳، ص ۴۱۰).

۷ عباس فاضل السعدی (۱۳۷۶)، «نظرة فی تراث العرب الجغرافی»، *المورد*، ش ۹۸، صص ۱۷-۲۱؛ کراچکوفسکی، همان، ص ۷.

ادیب ابوالعباس جعفر بن احمد مروزی اولین فرد در این زمینه بود، اما به دلیل ناتمام ماندن کتاب و شهرت کتاب ابن خردادبه، مجالی برای اثر مروزی باقی نماند.^۱ به هر روی «اثر ابن خردادبه با تمام ناهماهنگی‌هایی که در مطالب آن وجود دارد، چون اولین اثر و نخستین نمونه جغرافیای اسلامی است، توانسته اثر و نفوذ بسیاری بر تألیفات جغرافیایی بعد از خود بگذارد».^۲

کتاب با اطلاعاتی مرسوم از جغرافیای ریاضی و شکل زمین آغاز می‌شود. پس از جهات قبله سرزمین‌های مختلف، بخش مفصلی را به سواد عراق، تقسیم اراضی و نوع خراج اختصاص داده است. وصف سواد از بخش‌های مهم *المسالک و الممالک* است که در این بخش به وصف سواد، تاریخچه، تقسیمات ارضی، وضع مالیات‌ها، خراج، شاهان اساطیری و القاب آنها می‌پردازد. اطلاعات دقیق از درآمدهای سواد به گونه‌ای است که به کمک آن می‌توان بودجه دولت اسلامی آن روزگار را تنظیم کرد.^۳

از آنجاکه اساس توصیف سرزمین‌ها در این کتاب، چهار جهت اصلی شمال، جنوب، مشرق و مغرب است، توصیف مشرق ربع مسکون در ابتدا آمده است. راه‌هایی که از بغداد تا دورترین نقاط خراسان کشیده شده را معرفی کرده، همچنین وصف دقیق و زنده‌ای از راه دریایی به هندوستان و چین آورده است.^۴ در ذیل توصیف مغرب، راه‌هایی که از بغداد به مغرب ختم می‌شود با عنوان «الطریق من مدینة السلام الی المغرب» آورده شده است. در این قسمت تقسیمات سرزمین شام، کوره‌ها و راه‌های آن سرزمین را نیز توصیف کرده است. وصف سرزمین‌های خارج از جهان اسلام از دیگر بخش‌های کتاب است. در این بخش، ابتدا شهرهایی که از طرطوس تا بلاد روم قرار دارند را با فاصله هریک بیان می‌کند او بلاد روم را به نقل از مسلم بن ابی مسلم جرمی وصف کرده است و داستان سفر هیئتی که به سرپرستی محمد بن موسی خوارزمی برای آگاهی از ماجرای اصحاب کهف رفته بودند را به نقل از وی بیان می‌کند.^۵

در این کتاب وصف بلاد شمال در مقایسه با بلاد شرق و غرب مختصر است.

۱ ابن ندیم، همان، ص ۲۱۴؛ کراچوفسکی، همان، ص ۱۰۳.

۲ حسین قرچانلو (۱۳۶۸)، «تحلیلی از آثار ابن خردادبه»، مقالات و بررسیها، ش ۴۷-۴۸، صص ۶۸-۶۹.

۳ کراچوفسکی، همان، ص ۱۲۲.

۴ عبیدالله بن عبدالله بن خردادبه (۱۹۹۲)، *المسالک و الممالک*، افست لیدن، بیروت: دار صادر، صص ۱۸-۶۸.

۵ همان، صص ۷۲-۱۱۶.

ابن خردادبه راه‌های شمال از ارمنستان، گرجستان، اران تا دربند، سرزمین خزران، شهرهای خزر و سمندر و رابطه آنها را با سرزمین اسلاوها بررسی می‌کند. در ادامه، مسیر دینور تا برزند را با مبحثی درباره منطقه ابواب به پایان می‌برد.^۱

او بلاد جنوبی را از بلاد شمالی کامل‌تر توصیف کرده است. در این قسمت، راه را از بغداد تا مکه دنبال می‌کند و به توصیف منزلگاه‌های مدینه می‌پردازد و مسیر مهاجرت پیامبر - صلی الله علیه و اله و سلم - را از مکه به مدینه معرفی می‌کند. بیان حدود حرم، مخالف مکه در نجد، راه مکه تا طائف، مسیر مکه تا یمن، مخالف یمن، راه بصره تا مکه، راه عمان تا مکه، مسیر دمشق تا مکه و روستاهای بحرین از دیگر مطالب این قسمت است که با معرفی راه یمامه تا یمن پایان می‌یابد.^۲

پس از بیان مطالب بر اساس چهار جهت اصلی، مطلبی را درباره راه‌های تجاری یهود و تجار روس می‌آورد و منزلگاه‌های عمومی از اندلس تا چین و مسیر رم و قسطنطنیه را شرح می‌دهد. در پایان، ربع مسکون زمین را به روش یونانیان به چهار قسمت تقسیم می‌کند که آگاهی ابن خردادبه را از تقسیم‌بندی یونانی نشان می‌دهد.^۳ سرانجام «توصیف سفر سلام ترجمان جزو این قسمت است و به دنبال آن حکایت از عجایب مختلف و کوه‌ها و رودهاست و در اینجا ناگهان نسخه خطی چنان به سر می‌رسد که گویی خاتمه ندارد».^۴

منابع ابن خردادبه

ابن خردادبه در تألیف خود از منابع مکتوب و شفاهی متعددی استفاده کرده است. او در پاره‌ای موارد با ذکر اثر یا صاحب اثر منبع خود را معرفی می‌کند. اما این روش را در سرتاسر کتاب دنبال نکرده و به همین دلیل دسته‌ای مصادر او ناشناخته باقی مانده است. در نگاه کلی منابع المسالک و الممالک را می‌توان به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد:

منابع مکتوب

- قرآن

- ۱ همان، صص ۱۱۷-۱۲۴.
- ۲ همان، صص ۱۲۸-۱۴۵؛ محمدجعفر اشکواری (۱۳۸۹)، «نقدی بر نام گذاری «مکتب جغرافیایی عراق»؛ بررسی موردی ابن خردادبه، یعقوبی و ابن رسته»، فصلنامه تاریخ اسلام، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۱۷۷.
- ۳ ابن خردادبه، همان، صص ۱۵۳-۱۵۵.
- ۴ کراچکوفسکی، همان، ص ۱۲۳.

برخی از اطلاعات جغرافیایی، اسامی جای‌ها و اقوام که در قرآن کریم آمده جغرافی‌دانان مسلمان را سخت به خود مشغول داشته است. ابن‌خرداذبه نیز در اثر خود به این موارد پرداخته است. او دمشق را همان ارم ذات‌العماد دانسته که مسکن نوح نبی قبل از طوفان بوده است.^۱ درباره مکان دقیق ارم ذات‌العماد اختلاف نظر است، یاقوت حموی می‌نویسد: «در وضع جغرافیایی آن اختلاف نظر وجود دارد، برخی آن را نام شهری می‌دانند، گویند جایی بوده و اکنون نابود شده است و مکانش مشخص نیست، برخی دیگر آن را اسکندریه می‌دانند و بیشترین گویند: دمشق است».^۲ البته ابن‌خرداذبه مشخص نکرده که از چه منبعی آن را بر دمشق منطبق دانسته است.

موضع کوه جودی که کشتی نوح در آنجا پهلو گرفت را با کوه قَرَدی در لبنان یکی دانسته و به آیه ۴۴ سوره هود «وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودَى»^۳ استناد کرده است.^۴ در منابع جغرافیایی و تاریخی کوهی را در جنوب شرقی ترکیه همان کوه مذکور در قرآن (آیه ۴۴ سوره هود) می‌دانند.^۵ در این بین دینوری (وفات ۲۸۲ ق.) که تقریباً هم‌زمان با ابن‌خرداذبه است، جودی را کوهی در ناحیه باقَرَدی و بازبُدی از سرزمین جزیره [ابن‌عمر] دانسته است.^۶ در توصیف شهر سَمَندر^۷ به داستان حضرت موسی (ع) و یوشع‌بن‌نون در آیه ۶۳ سوره کهف اشاره کرده است.^۸ ابن‌خرداذبه سنگ مورد نظر در این آیه را صخره شَرَوان^۹ دانسته و

۱ ابن‌خرداذبه، همان، ص ۷۶. در سوره الفجر آیه ۵ تا ۶ چنین آمده است: «الْم تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ إِزْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ» (مگر ندانسته‌ای که پروردگارت با عاد چه کرد/با عمارات ستون‌دار ارم).

۲ یاقوت حموی (۱۹۹۵)، معجم البلدان، ج ۱، بیروت: دار صادر، ص ۱۵۵.

۳ «وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ وَيَا سَمَاءُ أَفْلَعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقَضَى السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ عَلَى الْجُودَى وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (و گفته شد ای زمین آب خود را فرو بر و ای آسمان [از باران] خودداری کن و آب فرو کاست و فرمان گزارده شده و [کشتی] بر جودی قرار گرفت و گفته شد مرگ بر قوم ستمکار).

۴ ابن‌خرداذبه، همان، ۷۶.

۵ نک: احمدبن‌داودالدینوری (۱۳۶۸)، الاخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، قم: منشورات الرضی، ص ۱؛ مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، صص ۴۳ - ۴۴؛ مقدسی، همان، ص ۱۳۶؛ احمدبن‌ابی‌یعقوب‌بن‌واضح یعقوبی [ابی‌تا]، تاریخ یعقوبی، ج ۱، بیروت: دارصادر، صص ۱۴ - ۱۵.

۶ دینوری، همان، ص ۱.

۷ «شهری در آن سوی باب‌الابواب در فاصله ۸ روز، در سرزمین خزر، انوشیروان‌بن‌قباد آن را ساخت، این شهر دارالملک خزر بود و به دست سلمان‌بن‌ربیعہ فتح شد» (یاقوت حموی، همان، ج ۳، ص ۲۵۳).

۸ «أَرَأَيْتَ إِذْ أَوْيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَاتَى نَسِيبَ الْهَوْتِ» (آیا به یاد داری وقتی که به صخره پناه بردیم و من (پردن) ماهی (به دریا) را فراموش کردم (که برای تو بگویم)).

۹ «شهری از نواحی باب‌الابواب که در نزد ایرانیان به دربند مشهور است، بین شروان و باب‌الابواب ۱۰۰ فرسخ راه است، گویند در نزدیکی آن صخره حضرت موسی (ع) واقع است» (یاقوت حموی، همان، ج ۳، ص ۳۳۹).

دریا را دریای جیلان و روستا را روستای باجروان^۱ معرفی کرده است.^۲ ابن فقیه (وفات ۳۶۵ ق.) در بین جغرافیانگاران متقدم این مطالب را تکرار کرده است.^۳ البته ابن خردادبه در ادامه داستان به بخشی از آیه ۷۴ سوره کهف نیز اشاره کرده است.^۴ ابن خردادبه در این قسمت صرفاً به تطبیق مناطق جغرافیایی مورد نظر با داستان حضرت موسی (ع) پرداخته و در مورد اینکه از کجا و چگونه به آن دست یافته است، چیزی نمی‌گوید. البته به‌طور ضمنی به آیه ۷۷ سوره کهف^۵ نیز اشاره دارد، زیرا روستای مورد نظر در آیه را باجروان در خیران می‌داند. در معرفی مخلاف‌های یمن از مخلاف صنعا گفته و آنجا را با مکانی که در آیه ۲۰ سوره القلم در قرآن آمده است یکی می‌داند.^۶ در ادامه مخلاف‌های یمن در توصیف قصر المشید به آیه ۴۵ سوره حج استناد کرده است.^۷

با توجه به مواردی که گفته شد، به نظر می‌رسد ابن خردادبه به منظور تأیید اثرش از لحاظ مذهبی با استفاده از آیات قرآنی به تطبیق آیات قرآنی با برخی از اماکن جغرافیایی که در آن هنگام رایج بوده اکتفا کرده و چندان به صحت و سقم آنها توجه نکرده است.

– کتاب الجغرافیا: بطلمیوس

به دنبال ترجمه آثار یونانی در علوم مختلف به زبان عربی، آرا و نظرات یونانیان به‌ویژه

۱ «روستایی در دیار مضر در جزیره، از نواحی بلیخ، همچنین شهری از نواحی باب الابواب نزدیک شروان، جایی که حضرت خضر (ع) چشمه حیات را یافت، گویند آن روستایی بود که موسی و خضر -علیهما السلام - اهالی‌اش را طعام دادند» (یاقوت حموی، همان، ج ۱، ص ۳۱۳).

۲ ابن خردادبه، همان، ص ۱۲۴.

۳ احمدبن محمدبن فقیه (۱۴۱۶)، *البلدان*، تصحیح یوسف الهادی، بیروت: عالم الکتب، ص ۵۸۴؛ نیز نک: یاقوت حموی، همان، ج ۳، ص ۳۳۹.

۴ «حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ»، (موسی و خضر باز به راه خود ادامه دادند تا اینکه کودکی را دیدند و او آن کودک را کشت (موسی علیه السلام) گفت آیا انسان پاکی را بی‌آنکه قتلی کرده باشد).

۵ «فَانطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا آتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعَا أَهْلُهَا فَاتُوا أَنْ يَضِيفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقُضَ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا» (پس رفتند تا به اهل قریه‌ای رسیدند از مردم آنجا خوراکی خواستند و [لی آن‌ها] از مهمان نمودن آن دو خودداری کردند پس در آنجا دیواری یافتند که می‌خواست فرو ریزد و ابنده ما آن را استوار کرد (موسی) گفت اگر می‌خواستی [می‌توانستی] برای آن مزدی بگیری).

۶ ابن خردادبه، همان، ص ۱۲۴.

۷ ابن خردادبه، همان، ص ۱۳۶. «فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ»، (پس آن باغ سرسبز همچون شب سیاه و ظلمانی شد)

۸ همان‌جا. «فَكَأَيُّ مَنِ قَرْيَةٍ أَهْلُكُنَّهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَبِهِي خَاوِيَةٌ عَلَىٰ غُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مَعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ»، (چه بسیار از شهرها و آبادی‌ها که آن‌ها را نابود و هلاک کردیم درحالی‌که ستمگر بودند به‌گونه‌ای که بر سقف‌های خود فروریختند (نخست سقف‌های ویران گشت و بعد دیوارها به روی سقف‌ها فروریخت) و چه بسیار چاه‌های پرآب و چه بسیار قصرهای محکم و مرتفع بی‌صاحب ماند).

بطلمیوس (وفات ۱۶۱م.) در زمینه جغرافیا مورد توجه مسلمانان قرار گرفت.^۱ از آثار وی می‌توان به کتاب *الجغرافیا* اشاره کرد که در دوران ترجمه چند بار ترجمه شد^۲ و ابن‌خرداذبه نیز آن را ترجمه کرده بود.^۳ بنابراین در خطابه و مقدمه کتاب تحت تأثیر آرای بطلمیوس که زمین را مرکز جهان می‌دانست، با توصیف زمین آغاز کرده^۴ و یک‌بار از او نام برده است.^۵ علاوه بر این تقسیم زمین، ربع معمور یا مسکون زمین به اورفی، لوبیه، اثیویا و اسقوتیا را از سنت جغرافیایی بطلمیوس به وام گرفته است.^۶

– منابع کهن ایرانی

بی‌تردید ابن‌خرداذبه در تألیف اثرش از منابع ایرانی وام گرفته است. مؤید این مطلب تقسیم‌بندی مطالب کتاب بنا بر جهات اربعه، تقسیم جهان به چهار ربع و برابر گرفتن عراق با ایران شهر است که خود متأثر از سنت‌های ایرانی است.^۷ به گفته مسعودی، ایرانی‌ها و نبطی‌ها قسمت مسکون زمین را به چهار قسمت خورآسان «مشرق»، آپاختران «شمال»، خوربرآن «مغرب» و نیمروز «جنوب» تقسیم می‌کرده‌اند.^۸ از آنجا که مؤلف در اوج عصر نهضت ترجمه زندگی می‌کرده، به ترجمه‌های فراهم آمده از زیج‌های ایرانی نیز دسترسی داشته است.^۹ بیان تقسیم زمین بنابر اقوال اساطیر ایرانی از سوی فریدون میان فرزندان او از دیگر موارد استفاده وی از منابع ایرانی است.^{۱۰}

– اسرائیلیات

- ۱ احمد آرام (۱۳۴۶)، «علم جغرافیا و تطورات آن در جهان اسلام»، *معارف اسلامی*، ش ۳، ص ۹۳.
- ۲ «این کتاب در هشت مقاله است که کندی ترجمه بسیار بدی از آن دارد و پس از او ثابت آن را به عربی ترجمه بسیار خوبی نموده، و سریانی آن نیز یافت می‌شود». ابن‌ندیم، همان، ص ۴۸۳؛ آرام، همان، ص ۹۳؛ J. Lennart Berggren and Alexander Jones (2000), *Ptolemy's Geography an annotated translation of the theoretical chapters*, United Kingdom: Princeton University Press, p 51.
- ۳ ابن‌خرداذبه، همان، ص ۴.
- ۴ همان، ص ۵.
- ۵ «ذکر بطلمیوس فی کتابه ان مدن الارض علی عهده کانت اربعة آلاف و مائتی مدینه». همان، ص ۵.
- ۶ همان، صص ۱۵۵-۱۵۶.
- ۷ آرام، همان، ص ۹۹؛ صالحی، همان، ص ۳۴.
- ۸ مسعودی، *التنبيه والاشراف*، ص ۲۸.
- ۹ ابن‌خرداذبه، همان، ص ۱۵.
- ۱۰ همان، ص ۱۵؛ نیز نک: زهرا علی زاده جدا (۱۳۹۵)، «تبیین و بررسی تاریخ نگاری ابن‌خرداذبه در *المسالك و الممالک*»، *فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی*، ش ۱۱، ص ۳.

اسرائیلیات اصطلاحی در معارف اسلامی است که به آن دسته از روایات و قصص و مفاهیم اشاره دارد که نه در قرآن و احادیث نبوی، بلکه در تعالیم امم پیشین (امم سالفه) مانند بنی اسرائیل ریشه دارند و حاصل جریان است از داستان‌سرای، اسطوره‌پردازی و غیره که بیشتر توسط یهودیان نومسلمان وارد حوزه‌های مختلف از جمله حدیث شد. این روایات مشتمل بر حکایات، قصص و افسانه‌های مختلفی درباره پیدایش و شکل کره زمین، قصص انبیاء، سرچشمه رودها، وصف بهشت و جهنم، شگفتی‌های دنیا و نظایر آن هستند. در این بین افرادی مانند وهب بن منبه (وفات ۱۱۰ ق.)، کعب الاحبار (وفات ۳۲ ق.)، ابوهریره (وفات ۵۹ ق.) و عبدالله بن عمرو بن عاص (وفات ۶۳ ق.) افرادی هستند که اسرائیلیات با آنها پیوند خورده است.^۱ مسعودی (وفات ۳۴۵ ق.) این دسته اطلاعات را روایات و اخباری به روایت اصحاب حدیث دانسته است که نه می‌توان آنها را قبول و نه رد کرد.^۲

دسته‌ای دیگر از منابع ابن خردادبه در *المسالك و الممالك* را اسرائیلیات تشکیل می‌دهند. به‌عنوان نمونه ابن خردادبه در بیان بناهای یمن روایاتی از قول وهب بن منبه و نیز راویان محلی «قال اهل الیمن...» روایت می‌کند.^۳ یا در جای دیگر در روایتی که منتسب به اهل کتاب درباره ویرانی بیت المقدس توسط ملوک روم است، داستان اختلاف حضرت یعقوب با بردارش عیص و چگونگی حکومت فرزندان عیص بر بنی اسرائیل را نقل کرده است.^۴ همچنین از عبدالله بن عمرو بن عاص، فردی که توصیف زمین به شکل پرنده منسوب به اوست^۵ روایتی درباره شگفتی‌های چهارگانه دنیا نقل کرده است.^۶

– منابع لغوی و ادبی

قرن سوم دوره رونق ادبیات عرب در جهان اسلام است و با توجه به میراث غنی ادب عربی افرادی چون ابن خردادبه در *المسالك و الممالك* از آثار دانشوران لغت‌شناس و ادیبان آن عصر استفاده کرده‌اند که این موضوع را می‌توان از اسامی لغت‌شناسان و استشهدات شعری

۱ فرامرز حاج منوچهری (۱۳۶۷)، اسرائیلیات، دب، ج ۸، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ص ۲۹۰.

۲ مسعودی، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ج ۲، صص ۲۱۶-۲۱۷.

۳ ابن خردادبه، همان، صص ۱۴۴-۱۴۵.

۴ همان، ص ۱۱۸.

۵ کراچکوفسکی، همان، ص ۴۱.

۶ ابن خردادبه، همان، ص ۱۱۵.

دریافت. در منابع لغوی اطلاعات جغرافیایی نیز وجود داشت که ابتدا به جغرافیای ناحیه‌ای جزیره العرب محدود بود ولی از قرن سوم به تدریج مطالب آنها شهرها و نواحی دیگر را نیز در برمی‌گیرد.^۱ به نظر می‌رسد این خرداذبه از آثار هشام‌بن محمد کلبی (وفات ۲۰۶ ق.) و اصمعی (وفات ۲۱۶ ق.) لغت‌شناس استفاده کرده است. اگرچه وی از اصمعی نام نبرده، اما یک مرتبه از هشام‌بن محمد نام برده است.^۲ برای نمونه او در خبری در باب وجه تسمیه مصر چنین می‌آورد «و قال سُمیت مصر بمصر بن حام بن نوح». ^۳ ابن فقیه این خبر را از کلبی نقل کرده است.^۴ در موردی دیگر او از وجود کتیبه‌ای بر دروازه شهر ظفار به خط حمیری بدون ذکری از منبع خود گزارش داده است،^۵ حال آنکه همین خبر را یاقوت در ذیل ماده ظفار از قول اصمعی آورده است.^۶

در ادامه اسامی افرادی که این خرداذبه از آنها نام برده آمده است که برخی از آنها لغوی بودند و دیوان شعر هم داشتند: ابن مفرغ (صص ۱۸، ۱۴۷، ۱۷۵)؛ ابوالعتاهیه (ص ۲۲)؛ ابوالتقی عباس بن طرخان (ص ۲۶)؛ أحوص (صص ۳۲ و ۳۳)؛ کثیر (ص ۳۳)؛ ابوالعذار (ص ۳۹)؛ عبدالملک بن مروان (ص ۴۰)؛ ابونخیه (ص ۴۲)؛ ابوشمقمق (ص ۴۳)؛ حمید بن سعید (ص ۵۹)؛ ابوالعمیثیل (ص ۷۲)؛ سُدیف (ص ۷۳)؛ أخطل (ص ۷۴)؛ امرؤ القیس (صص ۷۵۸، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۵۲)؛ حسان بن ثابت (صص ۷۷، ۸۸)؛ ابن کلثوم کندی (ص ۷۹)؛ مأمون (ص ۸۰)؛ کعب بن جعیل (ص ۹۸)؛ ابوسعید (ص ۹۹)؛ فرج بن عثمان مقسمی (ص ۹۹)؛ محمد بن عبدالملک (صص ۱۰۰، ۱۱۹)؛ عباس بن أحنف^۷ (ص ۱۰۰)؛ حسین بن ضحاک (صص ۱۰۱، ۱۲۱)؛ ابن ابی حفصه (ص ۱۰۳)؛ جریر (صص ۱۲۶، ۱۴۶)؛ صرمه الانصاری (ص ۱۲۸)؛ مرحب (ص ۱۲۹)؛ نمیری (ص ۱۳۴)؛ حمید بن ثور هلالی (ص ۱۳۴)؛ امیه بن صلت ثقفی (ص ۱۳۶)؛ راجز (ص ۱۳۶، ۱۵۱)؛ ابونواس (ص ۱۲۶)؛ نابغه جعدی (صص ۱۳۸، ۱۵۱، ۱۵۲)؛ ابن ذی جَدَن (صص ۱۳۸، ۱۴۴)؛ یزید بن مفرغ حمیری (ص ۱۴۶)؛ نصیب (ص ۱۴۸)؛ بختری (ص ۱۶۲).

۱ کراچکوفسکی، همان، ص ۱۰۰.

۲ ابن خرداذبه، همان، ص ۱۸۲.

۳ همان، ص ۸۰.

۴ ابن فقیه، همان، ص ۱۱۵.

۵ ابن خرداذبه، همان، ص ۱۴۵.

۶ یاقوت حموی، همان، ج ۴، ص ۶۰.

۷ شاعر متوفای ۱۹۲ هجری (مجاهد، جوحی، ص ۶۲۷).

ابن خردادبه به جهت تسلط بر منابع ادبی به فراخور نیاز به اشعار فراوانی استشهاد کرده است. استشهاد به معنای گواهی خواستن و شاهد آوردن آیات قرآنی، احادیث، روایات و شعر در منابع نخستین اسلامی فراوان دیده می‌شود و ابن خردادبه نیز به این موضوع توجه دارد. وی به اشعار طبقات مختلف شاعران و سروده‌های شاعران گوناگون اشاره کرده است. شیوه ابن خردادبه در استشهادات شعری به این صورت است که تا حد امکان سعی دارد نام شاعر آورده شود،^۱ در غیر این صورت به «قال الشاعر» اکتفا می‌کند^۲ و در صورتی که اشعاری از بادیه‌نشینان نقل کند، چنین می‌نویسد: «قال اعرابی».^۳

در بین شاعرانی که ابن خردادبه به اشعار آنها استناد کرده است می‌توان شاعرانی از عصر جاهلی یافت، به‌عنوان نمونه: أخطل، أحوص، ابوشمقمق، جریر، حسان بن ثابت و امرؤ القیس. از شاعران مَخْضَرَم نیز در مسالک و ممالک اشعاری آورده است، به‌عنوان نمونه: نابغه جَعْدی. همچنین اشعاری از نُمیری، ابن مفرغ و کثیر از شاعران دوره اموی (حکومت ۴۱-۱۳۲ ق.)، ابونواس، ابونخيله، ابوالعاهیه و بُحتری از شاعران دوره عباسی (حکومت ۱۳۲-۶۵۶ ق.) در مسالک و ممالک وجود دارد.

ابن خردادبه علاوه بر اشعار عربی در دو مورد به اشعار فارسی استناد کرده است: در توصیف شهرهای شمالی و شَلَنبَه^۴ شعری از بهرام گور^۵ آورده است:

منم شیر شلنبه
و منم ببر تله.

در مورد دیگر شعری درِی از ابوالتقی العباس بن طرخان که «در تأسف بر خرابی سمرقند»^۶ سروده شده بود، چنین آورده است:

سمرقند کندمند بزینت کی آفکند
از شاش نه بهی همی شه نه جهی^۷

شاعر مورد نظر ابوالینبغی است از شعرای هجایی که در خدمت برامکه بود. اقبال درباره

۱ ابن خردادبه، همان، صص ۷۹، ۱۳۸، ۱۴۶.

۲ همان، صص ۷۹، ۸۵، ۸۶، ۹۵.

۳ همان، صص ۶۰، ۱۲۶.

۴ شَلَنبَه ناحیه‌ای از دماوند است (یاقوت حموی، همان، ج ۳، ص ۳۶۰).

۵ بهرام گور پنجمین پادشاه ساسانی (حک ۴۳۸-۴۲۰ م) که به جنگاوری و خوشگذرانی مشهور بود. وی نخستین فردی است که به زبان فارسی شعر گفت (عوفی، همان، ص ۱۹؛ دولتشاه سمرقندی، همان، ص ۲۹).

۶ ابن خردادبه، همان، ص ۱۱۸.

۷ عبدالحی حبیبی (۱۳۴۱)، «چند کلمه از لهجه هروی و کتاب طبقات الصوفیه»، یغما، ش ۱۶۶، ص ۶۹.

۸ ابن خردادبه، همان، ۲۶.

شعری که ابن خردادبه از وی نقل کرده نیز چنین می‌نویسد: «از لقب پدر او طرخان که عموماً ملوک سمرقند را بآن عنوان می‌خوانده‌اند چنین بر می‌آید که این شاعر اصلاً سمرقندی است و ظاهراً از شاهزادگان آن دیار است»^۱.

مضامین شواهد شعری در *المسالك و الممالک* بیشتر تاریخ^۲ و جغرافیا^۳ است و به ندرت از موارد دیگر استفاده کرده است. به‌عنوان نمونه شعری را در مذمت حجاج به دلیل تحریم ذبح گاو برای بهبود کشاورزی سواد آورده است: «شکونا إلیه خراب السواد فحرم جهلاً لحم البقرة»^۴.

– حصین بن منذر رقاشی

حُصَيْن (حُصَيْن) بن منذر (وفات ۹۹ ق.) ملقب به ابوساسان از اشراف و بزرگان قبیله بنی‌بکر بن وائل در بصره، والی اصطخر بود که در جریان فتح سمرقند در سال ۹۳ ق. به همراه قتیبة بن مسلم در خراسان حضور داشت. وی نزد شیعیان و اهل سنت از راویان ثقه شمرده می‌شود.^۵ ابن خردادبه روایتی از او در باب هوا و پاکیزگی سمرقند آورده است. اما بر ما روشن نیست ابن خردادبه از چه منبعی مطلب را نقل کرده است.^۶

– تألیفات مسلم بن ابی مسلم جرمی^۷

- ۱ عباس اقبال (۱۳۱۲)، «ابوالبنی العباس بن طرخان، از شعرای ذواللسانین قرن دوم هجری، وفاتش در حدود ۲۳۰ هجری»، مهر، ش ۱۰، ص ۷۳۵. البته وی شعر را چنین آورده است: «سمرقند کند مند بزینت کی آفکند از شاش ته بهی همیشه ته خَپی» (همانجا).
- ۲ ابن خردادبه، همان، صص ۳۱، ۳۴، ۳۵، ۴۱-۴۵، ۴۶، ۷۴، ۸۳.
- ۳ همان، صص ۲۷، ۲۹، ۳۷، ۶۰، ۶۱، ۷۱، ۷۳-۷۴، ۱۱۷.
- ۴ همان، ص ۲۸. «به او (حجاج) از ویرانی سواد "عراق" شکایت بردیم، از روی نادانی گوشت گاو را بر ما تحریم نمود» (ابن خردادبه (۱۳۷۱)، *مسالك و ممالک*، ترجمه سعید خاکرند، با مقدمه آندره میکسل، تهران: مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل، ص ۱۷۳).
- ۵ محمود مهدوی دامغانی (۱۳۸۸)، «حصین بن منذر رقاشی»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۳، تهران: بنیاد دانشنامه جهان اسلام، ص ۵۵۸.
- ۶ ابن خردادبه، همان، ص ۱۸۱.
- ۷ درباره وی اطلاعات اندکی وجود دارد و حتی ابن ندیم و حاجی خلیفه نیز اطلاعاتی در این باره ارائه نمی‌دهند. گاهی وی را حُزْمی یا به صیغه‌های دیگر نیز خوانده‌اند، در مبادله سوم اسرا در خلافت واثق بالله عباسی در محرم سال ۲۳۱ ق در لامس، وی آزاد شد. ولایت و مردم روم را نیک می‌شناخت و درباره اخبار روم و ملوک و سران و ولایات بُرجان، ابر، برغر، صقالبه و خزر و غیره تألیفاتی داشت. اطلاعات ذی‌قیمت را ابن خردادبه از وی درباره اعداد ولایت‌های روم شرقی و مسائل مربوط به آن به سال ۲۷۲ ق / ۸۸۵ م نقل کرده است. البته احتمال دارد مطالبی که قدامه درباره بیزانس ارائه می‌دهد از جرمی باشد همچنین مطالبی درباره اوقات حمله به آسیای صغیر. مسعودی نیز در ضمن صحبت‌هایش به این امر اشاره می‌کند. اطلاعات جرمی درباره صقالبه و سرزمین‌های مجاور از اهمیت بالایی برخوردار است که ابن خردادبه آورده است. بارتولد معتقد است که بسیاری از جغرافیایانگاران مسلمان تا قرن

بخشی از اطلاعات ابن خردادبه درباره مملکت روم منقول از تألیفات مسلم بن ابی مسلم جرمی است. وی از اسرای آزادشده در مبادله سال ۲۳۱ ق. با روم است. او به گفته مسعودی فردی آگاه به نواحی سرحدی (ثغور شام و جزیره) بود که درباره اخبار روم، ملوک، ولایات، راه‌ها، معابر و ممالک هم‌جوار آن تألیفاتی داشته است. از تألیفات وی قطعه‌ای ناچیز باقی مانده است که ابن خردادبه آن را روایت می‌کند.^۱ اینکه نواحی تحت سیطره پادشاه بیزانس، ۱۴ بخش (عامل) است؛ ۳ بخش در آن سوی خلیج و به‌غیر از آن ۱۱ بخش دیگر نیز وجود دارد: طافلا، قُسطنطنیه، تراقیه و مقدونیه. افلاجونیه، اُفطی ماطی به معنای گوش و چشم، اُبسیق، تَرَقسیس، ناطلوس، خَرسون، بُقار، اَرمنیاق، خَلدیه، سلوقیه، قِبَادُق.^۲ اطلاعات جرمی از مناطق یاد شده شامل موارد زیر است: فاصله شهرها، دژها و استحکامات دفاعی و قلعه‌ها.

– گزارش تمیم بن بحر مَطوعی

نخستین اطلاعات مسلمانان از راه خشکی چین که از آسیای میانه می‌گذشت از طریق تمیم بن بحر مَطوعی به دست آمده است. تمیم از غازیان داوطلب مرزهای شرقی بود که بین سال‌های ۱۴۳-۱۸۴ ق. سفری سیاسی به سوی دیار ترکستان داشته است. او در این سفر گزارش مفصلی از راه خشکی به سوی چین، شهرها و ملوک و مرکز دیار ترکستان، تغزغز ارائه داده است. ابن خردادبه قطعه‌ای از گزارش تمیم بن بحر در خصوص راه چین و مملکت تغزغز را بدون اشاره به مأخذ یا منبع نقل کرده است.^۳ گزارش کامل این سفر را ابن فقیه به نقل از مروزی و قطعاتی را یاقوت نقل کرده‌اند.^۴

– گزارش ابو عبدالله محمد بن اسحاق

هفتم هجری قمری مطالب جرمی را بدون نام وی در آثارشان آورده‌اند. تسمیه دریای سیاه به خزر از اوست و صقالیه را از همسایگان مقدونیه دانسته و برجان یا بلغار در سواحل دانوب را از طرف غرب همسایه ترکیه و از طرف شمال همسایه مقدونیه به حساب آورده است (کراچکوفسکی، همان، صص ۱۰۶-۱۰۸؛ احسان عباس (۱۴۲۳)، عالم منسی مسلم بن ابی مسلم الجرمی، التسمیح، عدد ۲، صص ۲۲۴-۲۲۸).

۱ ابن خردادبه، همان، ص ۱۰۵؛ علی بن حسین مسعودی [بی‌تا]، التنبیه و الاشراف، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره: دار الصاوی، ص ۱۶۲؛ کراچکوفسکی، همان، ص ۱۰۷.

۲ ابن خردادبه، همان، صص ۱۰۷-۱۰۸.

۳ همان، ص ۳۰.

۴ ابن فقیه، همان، ص ۶۳۷؛ یاقوت حموی، همان، ج ۲، ص ۲۴.

ابن خردادبه اطلاعات زیادی درباره مردم هند، آداب، عقاید و رسوم فرقه‌های مذهبی بدون اشاره به منبعی مشخص ارائه داده است. اما ابن‌رسته گزارشی مشابه آنچه ابن‌خردادبه نقل کرده است را از قول شخصی به نام ابو عبدالله بن اسحاق روایت می‌کند.^۱ از ابو عبدالله محمد بن اسحاق اطلاعات چندانی در دست نیست. کراچکوفسکی معتقد است وی به احتمال زیاد در اوایل قرن سوم در قمار (خمر- کامبوج فعلی) بوده است. بارتولد گزارش وی را گذشته از ابن‌رسته منبعی برای ابن‌خردادبه و دیگر جغرافی‌نویسان درباره هند می‌داند.^۲

- کتاب الحيوان

یکی از منابعی که در کتاب المسالك و الممالک مورد استفاده ابن‌خردادبه قرار گرفته کتاب الحيوان نوشته جاحظ (وفات ۲۵۵ ق.) است. ابن‌خردادبه در بیان شگفتی‌های سرزمین‌ها از کتاب مذکور بهره برده است. اگرچه وی بدون هیچ اشاره‌ای به کتاب فقط به ذکر نام جاحظ اکتفا کرده است.^۳

- اسناد و گزارش‌های دیوانی

اسناد بخشی از محتویات بایگانی‌هاست که امروزه از مهم‌ترین منابع پژوهشی به شمار می‌رود و کلیه مکاتبات سلطنتی، فرمان‌ها، معاهدات سیاسی، انواع نوشته‌های اداری و دیوانی، اسناد قضایی، مالی و بخشی از مکاتبات خصوصی و خانوادگی است که به‌طور طبیعی در اثر فعالیت‌ها و عملیات اشخاص و سازمان‌ها به‌وجود آمده است؛^۴ از آنجاکه ابن‌خردادبه خود نیز از عُمال حکومتی بوده است، از این رو اسناد دولتی مهم‌ترین بخش از منابع وی است. چنانکه آمد ابن‌خردادبه چندی ریاست اداره برید جبال را بر عهده داشت. اشتغال در دوایر حکومتی سبب گردید که وی به اسناد و گزارش‌های دیوانی و حکومتی دسترسی داشته باشد. اسناد مذکور از آنجاکه از مراجع رسمی صادر شده‌اند و حاوی آگاهی‌هایی از ولایات جهان اسلام و دیگر مناطق دارای ارزش و اعتبار بالا بودند اهمیت فراوانی داشتند. گزارش‌های

۱ ابن‌رسته (۱۸۹۲)، اطلاق النفیسه، بیروت: دار صادر، ص ۱۳۲ و ابن‌خردادبه، همان، ص ۶۶.

۲ ابن‌خردادبه، همان، صص ۶۹-۷۰؛ کراچکوفسکی، همان، ص ۱۱۱.

۳ ابن‌خردادبه، همان، ص ۱۷۰؛ عمر بن بحر جاحظ (۱۹۶۵)، الحيوان، تصحیح عبدالسلام محمد هارون، ج ۴، [بی‌جا]، شركة مكتبة و مطبعة البابی الحلبي، ج ۴، صص ۱۳۵، ۱۳۹-۱۴۰، ۱۴۲.

۴ سوازه، همان، ص ۱۹؛ قائم مقامی، همان، صص ۴-۵، ۴۱.

ابن خردادبه حاکی از آن است که وی در تدوین اثر خود از اسناد و گزارش‌های موجود در آرشیوهای حکومتی بهره فراوان برده است که در ادامه خواهد آمد.

- اسناد مالی دیوان خراج

ابن خردادبه در اثر خود از میزان عایدات و خراج تک‌تک ایالات و ولایات ممالک اسلامی گزارش مفصلی ارائه داده است، به نحوی که فون کرمر بر اساس گزارش‌های مذکور بودجه خلافت را در قرن سوم هجری تدوین کرده است.^۱ مهم‌ترین منبع اطلاعاتی ابن خردادبه درباره میزان خراج سرزمین‌های اسلامی را باید ابوالعباس فضل‌بن مروان بن ماسرجس (۱۷۰-۲۵۰ ق.) دانست، مسؤل مسیحی دیوان خراج در خلافت معتصم (حکومت ۲۱۸-۲۲۷ ق.) که در زمان مأمون نیز در تشکیلات اداری حضور داشت و بعد از مرگ مأمون برای معتصم که در نبرد با روم از بغداد خارج شده بود، بیعت گرفت.^۲ ابن خردادبه سه مرتبه از او با بیان «خبرئی» یاد کرده است.^۳ با توجه به گزارش تفصیلی ابن خردادبه از عایدات ممالک اسلامی، واژه «خبرئی» را نباید به معنای اصطلاح روش حدیثی آن یعنی «سماع» دانست. بلکه به نظر می‌رسد گزارش‌های خراج ولایات را فضل‌بن مروان از روی اسناد مالی دیوان خراج برای ابن خردادبه نقل کرده باشد. در خبری دیگر ابن خردادبه بر پایه گزارش دیوان خراج «و وَجَدَ فِي دِيْوَانِ الْخِرَاجِ» از افزایش میزان خراج در یمن سخن می‌گوید که دسترسی وی به اسناد مالی دیوان را تأیید می‌کند.^۴ با توجه به تاریخ نگارش کتاب‌هایی مانند الاموال ابن زنجویه (وفات ۲۵۱ ق.) و ابوعمید (وفات ۲۲۴ ق.) و الخراج قاضی ابویوسف (وفات ۱۸۲ ق.) و یحیی بن آدم قرشی (وفات ۲۰۳ ق.) و عدم استفاده ابن خردادبه از آنها چند احتمال را می‌توان در نظر گرفت. اول آنکه وی به اسناد دیوانی دسترسی داشته، از این رو چندان نیازی به مراجعه به آن کتاب‌ها نداشته است. دوم آنکه با توجه به همزمانی تقریبی نگارش آثار و فقدان سیستم اطلاع‌رسانی سریع، امکان اطلاع از آثار دیگران در زمان کوتاه وجود نداشت. سوم آنکه رویکرد کتاب‌های نامبرده حدیثی است و به

۱ کراچکوفسکی، همان، ص ۱۲۲.

۲ نک: شمس‌الدین احمد بن محمد بن ابی بکر بن خلکان [بی‌تا]، وفيات الاعيان و انباء ابناء الزمان، حقه احسان عباس، بيروت: دار الثقافة، ج ۱، ص ۴۷۳، و ج ۴، ص ۴۶-۴۷؛ شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان الذهبی (۱۴۰۳)، سیر

اعلام النبلاء، ج ۱۲، بيروت: مؤسسة الرسالة، صص ۸۳-۸۵.

۳ ابن خردادبه، همان، صص ۲۱، ۴۲، ۴۸.

۴ همان، ص ۱۴۴.

ماهیت منابع درآمد مانند خراج و جزیه پرداخته‌اند و از این جهت نیز نمی‌توانست منبعی برای نگارش مسالک و ممالک ابن‌خردادبه باشد.

– گزارش‌های دیوان برید

بخش قابل توجهی از کتاب ابن‌خردادبه به توصیف راه‌های خشکی ممالک اسلامی و سایر مناطق اختصاص دارد. گفتنی است وی ریاست کل اداره برید ولایت جبال را بر عهده داشت و در اینجا بود که به آرشیوهای دولتی دست یافت و برای کسب اطلاعات از نواحی دوردست از شغل رسمی خود بهره فراوان گرفت.^۱ همچنین ریاست کل برید بغداد و در ادامه سامرا را بر عهده داشت و از ندیمان دربار معتمد عباسی بود.^۲ بنابراین از گزارش‌های مأموران برید در توصیف دقیق راه‌ها، فواصل و منازل استفاده فراوان برده است. این گزارش‌ها گذشته از آنکه حاوی اطلاعاتی از اوضاع راه‌ها و توقفگاه بودند، آگاهی‌هایی نیز از اوضاع سیاسی، اقتصادی و مالی ولایت به دست می‌دادند.^۳

– گزارش سلام ترجمان

شرح سفر سلام ترجمان به نواحی شمالی به فرمان الواثق بالله (حکومت ۲۲۷–۲۳۲ ق.) خلیفه عباسی در نوشته‌های جغرافی‌دانان بعد از ابن‌خردادبه به نقل از وی رواج فراوان یافته است.^۴ ابن‌خردادبه گزارش این سفر را ابتدا از خود سلام روایت می‌کند، سپس می‌گوید که علاوه بر روایت، از گزارشی که سلام به خلیفه داده نیز رونویسی کرده است.^۵

منابع شفاهی

ابن‌خردادبه برخلاف بیشتر جغرافی‌دانان سیاح بیشتر عمر را در بغداد سپری کرد. بنابراین آگاهی او از عراق نسبت به سایر مناطق بیشتر بود. با این همه اطلاعات او درباره عراق که در آن ایام مرکز تحولات جهان اسلام بود بسیار مهم است. گزارش دقیق او از اعمال، نواحی و

۱ نفیس احمد (۱۳۷۴)، *خدمات مسلمانان به جغرافیا*، ترجمه حسن لاهوتی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، صص ۳۱–۳۲.

۲ ابن‌ندیم، همان، صص ۲۴۴–۲۴۵.

۳ ابن‌خردادبه، همان، صص ۶۰، ۱۳۱.

۴ به‌عنوان نمونه: ابن‌رسته، همان، ص ۱۴۹، مقدسی، همان، صص ۲۶۲–۲۶۵.

۵ ابن‌خردادبه، همان، صص ۱۶۲، ۱۷۰.

طسوج‌های عراق شاهدهی بر این مدعاست.^۱ ذکر حکومت‌ها و خاندان‌های حکومتگر سرزمین‌های غربی خلافت و حوزه قلمروی آنان معاصر با مؤلف و تصرف آنقره و تخریب آن توسط معتصم را نیز می‌توان جزء دانسته‌های شخصی مؤلف شمرد.^۲ با توجه به مرکزیت عراق، ابن خردادبه بسیاری از اطلاعات خود را بی‌واسطه از کسانی شنیده که به عراق آمدوشد داشتند. به‌عنوان نمونه از شخصی به نام فضل‌بن مروان اجازه مکتوب برای روایت داشته است. منابع شفاهی ابن خردادبه که در آنها منبع خبر هم آمده است به شرح زیر هستند.

– محمدبن موسی خوارزمی؛ منجم

از منابع شفاهی ابن خردادبه درباره مملکت روم، گفته‌های محمدبن موسی منجم است که برای او روایت کرده است. محمدبن موسی از سوی خلیفه الواثق بالله عباسی (حکومت ۲۲۷-۲۳۲ ق.) برای تحقیق در باب اصحاب کهف عازم دیار روم شد.^۳ علاوه بر این منبع ابن خردادبه در بیان بناهای شگفت‌انگیز کلیساهای روم نیز محمدبن موسی است.^۴ لازم به ذکر است هرچند ابن خردادبه از منبع خود یادی نکرده است اما ابن‌رسته گزارش مذکور را از محمدبن موسی ذکر می‌کند.^۵

– ابوبکر بن عمر قرشی و عبدالله بن ابی طالب قرشی

ابن خردادبه به نقل از این دو تونسی خبری درباره مناره مدور اسکندریه روایت می‌کند.^۶

– ابوالفضل رائض بن حارث بن اسد

ابن خردادبه روایتی از ابوالفضل رائض فرزند صاحب مملکت خُطَلان در باب نژاد مادیان‌های این دیار آورده است. او ابتدا می‌گوید ابوالفضل این خبر را روایت کرده است در آخر خبری از قول خود او نقل می‌کند.^۷

۱ ابن خردادبه، همان، صص ۱۸-۲۸.

۲ همان، صص ۸۱-۸۲، ۹۲.

۳ همان، ص ۱۰۶.

۴ همان، ص ۱۱۳.

۵ ابن‌رسته، همان، ص ۸۳.

۶ ابن خردادبه، همان، صص ۱۱۴-۱۱۵.

۷ همان، ص ۱۸۰.

– دریانوردان و حکماء و منابع روایی

توصیف دقیق راه دریایی هند از بندر بزرگ بصره تا بندر تجاری چین یعنی خانفو از بخش‌های قابل توجه در المسالک و الممالک است. در قسمتی از توصیف راه دریایی مطالب را به نقل از دریانوردان «ذکر البحرین» آورده است،^۱ یا روایتی از قول پارسایان برآهه هند نقل می‌کند «فذكرت البراهمه و هم عبّاد الهند»،^۲ یا در خبری دیگر درباره طبیعت و سرشت شهرها می‌گوید «قال الحكماء»،^۳ در بیان مسیر هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه بی‌شک از کتب روایی و سیره استفاده کرده است.^۴

البته دسته‌ای دیگر از منابع شفاهی ابن‌خرداذبه برای ما شناخته شده نیست. وی در بیان برخی از اطلاعات گاه اشاره‌ای غیرمستقیم به منبع خود با عبارت نظیر «قالت الحكماء» دارد.^۵ یا اینکه فلان خبر را از آدمی ثقة شنیده است.^۶ یا در جایی می‌نویسد «حدّثنی محدّث». ^۷ و یا در خصوص خبری از روم می‌گوید: «قال العالم به البلاد الروم».^۸

– آثار باستانی، تصویری و ترسیمی

ابن‌خرداذبه در اثر خود به آثار و بناهای تاریخی و کتیبه‌ها اشاره دارد. لکن این اخبار حاصل مشاهدات خودش نیست، بلکه از دیگران نقل کرده است. جز ایوان کسری که گویا خود آن را از نزدیک دیده است.^۹ روایت وی درباره بازدید ابن طولون از اهرام مصر را از منابع دیگر نقل کرده است.^{۱۰}

نتیجه‌گیری

قرون سوم و چهارم هجری دوره رونق جغرافیانگاری اسلامی است. جغرافیانگاران

۱ همان، ص ۶۲.

۲ همانجا.

۳ همان، ص ۱۷۱.

۴ همان، صص ۱۱۴-۱۱۵، عبدالملک بن هشام [بی‌تا]، السیرة النبویة، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الیابری و عبدالحفیظ شلبی، ج ۱، بیروت: دارالمعرفة، صص ۴۶۸-۴۶۹.

۵ همان، ص ۱۴۷.

۶ همان، ص ۱۸۲.

۷ همان، ص ۱۸۱.

۸ ابن‌خرداذبه، همان، ص ۱۱۲؛ کراچکوفسکی، همان، ص ۱۲۲.

۹ ابن‌خرداذبه، همان، ص ۱۶۲.

۱۰ همان، ص ۱۵۹.

برجسته‌ای در این دوره ظهور کردند و هریک بر اساس توانمندی و امکانات موجود به نگارش جغرافیا پرداختند. ابن خردادبه از پیشگامان و بزرگان جغرافیانگاری اسلامی است. وی برخلاف بیشتر جغرافیانگاران کمتر به مسافرت رفته اما به سبب سکونت در عراق، مرکز خلافت اسلامی، از منابع مکتوب بسیاری برای نگارش اثر خود بهره برده است. همچنین وی به سبب اشتغال در دستگاه خلافت به اسناد و گزارش‌های مالی و اطلاعات دیوان برید دسترسی داشته از این رو وصف او از راه‌ها و میزان خراج و مالیات شهرهای مختلف جهان اسلام بسیار دقیق است. از همین رو نویسندگان بعدی این حوزه‌ها به‌ویژه قدامة بن جعفر در کتاب *الخراج* از تألیف او بسیار بهره برده‌اند. ابن خردادبه به سبب سکونت در بغداد به آثار یونانی و ایرانی در حوزه جغرافیا دسترسی داشته از این رو در تقسیم‌بندی زمین به ربع معمور / مسکون متأثر از آرای بطلمیوس است. ابن خردادبه افزون بر منابع جغرافیایی از آثار لغوی، ادبی و دواوین شعری بسیار استفاده کرده است. ابن خردادبه در استناد به منابع جغرافیایی و استشهاد به منابع ادبی به نقل صرف اکتفا کرده و از اظهار نظر درباره صحت و سقم آنها خودداری نموده است. ابن خردادبه همچنین به اطلاعات کسانی که به مرکز خلافت آمدوشد داشتند دسترسی داشته از این رو بسیاری از اطلاعات درباره شهرها را از منابع شفاهی و شنیده‌ها استخراج و تنظیم کرده است.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم
- آرام، احمد (مرداد ۱۳۴۶)، «علم جغرافیا و تطورات آن در جهان اسلام»، معارف اسلامی، ضمیمه ۳.
- ابن خردادبه، عبیدالله بن عبد الله (۱۹۹۲)، *المسالك و الممالک*، لیدن، بیروت: دار صادر.
- ابن خلکان، شمس‌الدین احمد بن محمد بن ابی بکر [بی‌تا]، *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، تحقیق احسان عباس، بیروت: دار الثقافة.
- ابن رسته، احمد بن عمر (۱۸۹۲)، *اعلاق النفیسه*، بیروت: دار صادر.
- ابن فقیه، احمد بن محمد (۱۴۱۶)، *البلدان*، تصحیح یوسف الهادی، بیروت: عالم‌الکتاب.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۶۶)، *الفهرست*، تحقیق رضا تجدد، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.

- ابن هشام، عبدالملک بن هشام [بی تا]، *السیرة النبویة*، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الایاری و عبدالحفیظ شلی، بیروت: دارالمعرفة.
- احمد، نفیس (۱۳۷۴)، *خدمات مسلمانان به جغرافیا*، ترجمه حسن لاهوتی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- اشکواری، محمدجعفر (۱۳۸۹)، «نقدی بر نامگذاری مکتب جغرافیایی عراق؛ بررسی موردی ابن خردادبه، یعقوبی و ابن رسته»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، ش ۴۳ و ۴۴.
- اقبال، عباس (۱۳۱۲)، «ابوالینیعی العباس بن طرخان، از شعرای ذواللسانین قرن دوم هجری، وفاتش در حدود ۲۳۰ هجری»، مهر، ش ۱۰.
- بوستینه، منجی (۱۴۲۵)، *موسوعه اعلام العلماء و الادباء العرب و المسلمین*، بیروت: دارالجبل.
- جاحظ، عمر بن بحر (۱۹۶۵)، *الحوایز*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، الطبعة الثانية، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده.
- حاج منوچهری، فرامرز (۱۳۶۷)، *اسرائیلیات*، دبا، ج ۸، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- الدینوری، احمد بن داود (۱۳۶۸)، *الاخبار الطوال*، تحقیق عبدالمنعم عامر، قم: منشورات الرضی.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد بن عثمان (۱۴۰۳)، *سیر اعلام النبلاء*، تهران: مؤسسة الرسالة.
- رضا، عنایت‌الله (۱۳۶۹)، «ابن خردادبه»، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- سمرقندی، دولت‌شاه (۱۳۸۲)، *تذکرة الشعراء*، به کوشش و تصحیح ادوارد براون، تهران: اساطیر.
- سواژه، ژان (۱۳۶۶)، *تاریخ شرق اسلامی*، ترجمه نوش آفرین انصاری، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- صالحی، نصرالله (۱۳۷۸)، «ابن خردادبه و دل ایرانشهر نظری به ابن خردادبه و المسالک و الممالک او»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۱۸.
- عباس، احسان (۱۴۲۳)، «عالم منسی مسلم بن ابی مسلم الجرمی»، *التسامح*، عدد ۲.
- علی‌زاده جدا، زهرا (۱۳۹۵)، «تبیین و بررسی تاریخ نگاری ابن خردادبه در المسالک و الممالک»، *فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی*، ش ۱۱.
- عوفی، محمد (۱۳۶۱)، *تذکرة لباب الالباب*، محمد عباسی، تهران: کتابفروشی فخر رازی.
- فاضل السعدی عباس (۱۳۷۶)، «نظرة فی تراث العرب الجغرافی»، *المورد*، ش ۹۸.

- قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰)، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، تهران: انجمن آثار ملی.
- قدامة بن جعفر (۱۹۸۱)، الخراج و صناعة الكتابة، تصحیح محمدحسین زبیدی، بغداد: دار الرشید للنشر.
- قرچانلو، حسین (۱۳۶۸)، «تحلیلی از آثار ابن خردادبه»، مقالات و بررسی‌ها، ش ۴۷ و ۴۸.
- کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ (۱۳۷۹)، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- گردیزی، ابی سعید عبدالحی بن الضحاک بن محمود (۱۳۶۳)، زین الاخبار، تحقیق عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- مجاهد، احمد (۱۳۸۳)، جوحدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین [بی تا]، التنبیه و الاشراف، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره: دارالصاوی.
- ----- (۱۴۰۹)، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، قم: دارالهجره.
- مقدسی، شمس‌الدین ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۹۰۶)، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، بیروت: دارصادر.
- منجم، إسحاق بن حسین (۱۴۰۸)، آکام المرجان، مصحح سعد فهیمی، بیروت: عالم الکتب.
- مهدوی دامغانی، محمود (۱۳۸۸)، «حصین بن منذر رقاشی»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۳، زیر نظر حداد عادل، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
- یاقوت حموی (۱۹۹۵)، معجم البلدان، بیروت: دارصادر.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن واضح [بی تا]، تاریخ یعقوبی، بیروت: دارصادر.
- Berggren, Lennart and Jones, Alexander (2000), *Ptolemy's Geography an annotated translation of the theoretical chapters*, United Kingdom: Princeton University Press.

